

پوهند وی دوکتور سید حسام «مل» .

-----[12]-----

تتبع ونگارش با استفاده از مقالات علمی
و فشرده یاداشت هاز مطالعات روزمره

تمدن چیست

بخش سوم

نمونه آموزش انشاء در سه تمدن

Education In Three Civilization Essay Sampel

ترجمه از نوشته های بلا بلا (Bla Bla writing)

طرح کلی:

این مقاله به بررسی دقیق سیستم های آموزش سه تمدن یعنی مصر باستان ، هند باستان و قرون وسطای ایتالیا ، به تقابل و مقایسه آنها اختصاص دارد.

1. مقدمه: اهمیت آموزش و اختراع نوشتن.

2. آموزش در مصر باستان - تولد زبان نوشتن (جوانب مثبت و منفی)

3. آموزش در قرون وسطی اروپا و ایتالیا از دوره رنسانس (تغییر در مقایسه با تمدن قبلی تحت نظارت)

4- آموزش در هند باستان - اوج روش آموزشی و نمونه ای عالی برای نسل های آینده

5- نتیجه گیری با اشاره به امروزه

قبل از اینکه به مطالعه سه سیستم پردازیم و شاید دوره های آموزش در تاریخ بشریت ، به ما اجازه دهد که دامنه و برخی از ویژگیهای تحقیقات آینده خود را تعیین کنیم. برای شروع ، از دیدگاه ما برای رسیدن به دید وسیع تر و واضح تر از موضوع ، باید از دوره تناوبی بگذریم و سه تمدن را با توجه به پیشرفت و پیشرفت آنها بررسی کنیم ، بلکه نه تنها مطابق با سیر زمان. واضح است که برخی از دوره های تحت نظارت ، عقب مانده اند در حالی که برخی دیگر پیشرفت هایی داشته اند و در طول زمان بر آنها صدر نشین بودند.

هیچ کس این واقعیت را مطرح نمی کند که پیش از اختراع و خواندن نوشتن ، اجداد ما مجبور بودند با قدرتهای طبیعی غیر قابل درک و وحشتناک مبارزه کنند و زندگی خود را در نبرد مداوم با محیط شدید ، حیوانات وحشی و سایر انسانها به دست آورند. در نتیجه ، برای زنده ماندن و گسترش نوع خود ، هموسپین (*Homo sapiens*) مهارتهایی را کسب کرد که بیشتر پایه و اساس فرهنگ و آموزش را تشکیل داد. این دانش با انتقال آن از نسلی به نسل دیگر انباشته و غنی شد. بدون شک آموزش ابتدایی آن زمان فقط به اطلاعات عملی مانند اینکه گیاهان خوراکی هستند و در کجا می توان مدارس بزرگتری از ماهی یافت یا مواد مناسب برای جمع آوری پناهگاه یا ساخت اسلحه برای شکار رچیان استفاده کرد.

با این حال ، این قوانین ابتدایی ساده ترین قوانین اخلاقی و اصول آموزشی را تشکیل می داد ، که مردم هنوز بی سواد به صورت شفاهی منتقل می شدند. تاریخ و همچنین نمونه هایی از ادبیات عامیانه فقط با کلمه دهان پخش می شد. در طی این روند ، مردم برخی از نمادها و علائم گرافیکی را ایجاد کردند و از آنها استفاده کردند که بعداً به زبان نوشتاری روی آوردند و پل سواد را گذاشتند یعنی که برای با سواد شدن پل ساختند.



از این رو اولین خط تصویری هیروگلیف و نامه هایی که بطور گسترده رونق گرفت و یا اختراع شد مصری ها آنرا بنام **هیروگلیف** (*hieroglyph*)

شناختند و یا مسمی کردند و این خط تصویری در دوره های بین (3000) قبل از میلاد تا (500) بعد از میلاد به پختگی و شگوفایی خود رسید که در معابد توسط کشیش های بت پرست تدریس میشد تا جاییکه **کادوهای مذهبی (religion dogmas)** نه تنها که در معابد به عبادت می پرداختند بلکه به تدریس خط **هیروگلیف** و نوشتن و شمردن آن و غیره نیز مبادرت میورزیدند.

مصری ها به غیر از ابداع شکل جدید اطلاعات ضبط (کتبی) به دلیل ایجاد وسایل جدید برای نوشتن نیز شناخته شدند و بدیهی است که در اینجا همه کس کتیبه های معروف مصر را به یاد می آورند.

از تاریخ مصر باستان یاد گرفته ایم که مصری ها حدود (5000) سال پیش شروع به تشکیل یک زبان مکتوب تصویری (هیروگلیف) کردند که آنها پیش از (3500) سال میلاد تا (400) سال پس از میلاد از آن استفاده کردند؛ شگفت آور اینکه آن تصاویر که قبلاً آنها را برای نشان دادن کلمات استفاده میکردند بعداً برای نمایش صداها مورد استفاده قرار دادند.

در مورد آموزش و تحصیلات باید گفت که تحصیل در مصر بر اساس نوع شغل و ثروت و جنسیت محدود و تبعیض آمیز بود یا به عبارت دیگر آموزش فقط برای مردان ثروتمند قابل دسترس بود؛ افزون بر آن این محدودیت تا حد زیادی بر مبنای موضوعات مذهبی استوار بود، بهر صورت پیرامون تمدن مصر همه حقایق فوق و بسا موارد دیگر از تاریخ آموزش و پرورش در مصر را میتوان در آثار پدر مصر یا مصر شناس (ژان فرانسواچامپولین = Champollion = 1790-1832) تحت عنوان (علمی پیرامون تمدن مصر) درک نمود، با استناد به آثار این محقق فرانسوی؛ مصریان باستانی احتمالاً اولین مردم متمدنی بودند که هنر های علمی را بکار می بردند تا جاییکه حتی کلمه ای «شیمی» از نام مصر باستان مشتق شده است.

یکی از ویژگیهای فرایند آموزش در مصر باستان این است که برخلاف روش غربی، کودکان در اینجا کاملاً از بزرگسالان جدا نمی شدند و مانند بزرگسالان رفتار می کردند. آنها از اولین قدم ها و یا از آغاز بکار با صنایع دستی مختلف آشنا می شدند و دست هایی پر از تجربه عملی داشتند، آنها برای والدین خود به عنوان نمونه های زندگی شایسته ای که شایسته افتخار و احترام بود؛ بوده اند، و رفتارهای خوب فرزندان خود را به همراه برخی اصول آموزشی و قوانین اخلاقی القا می کردند. برای دختران، آموزش عموماً با کارها و کارهای خانه به پایان میرسید و در حالی که پسران می توانستند تحصیلات خود را ادامه دهند.

مسئولیت تا مین آموزش پسران بردوش پدران شان گذاشته شده بود؛ همانسانیکه ما دران مسول آموزش دختران شان بودند. والدین بارک بینی ویا زیرکی فرزندان خود را ازوظایف لخت و عریان درک میکردند و نظر خود را درمورد دنیای بیرونی شکل میدادند و بدینسان دستورالعمل نحو رفتار خود را درجامعه نشان میدادند.

اصول آموزشی مصر دربسیاری قطعات ویا جزوات هنری مصر باستان ضبط و ثبت شده است؛ که تاکنون بطورکلی کتاب های آموزشی نامیده میشوند که در همچو کتاب های درسی نکاتی از توصیه ها ارایه شده است. تا جاییکه همه این توصیه ها برای دستیابی به موفقیت ها و همچنان برای کارهای روزمره قابل استفاده است. این اصول ویا توصیه ها عبارت اند از: «حقیقت گفتن»؛ برخوردار «منصفا نه» و آنچه که جالب است اینست که آنها بخاطر انجام و تحقق این موضوعات مجبور نمیشدند یا که ملزم شناخته نمی شدند بلکه مخاطبان (بچه ها) به هدف خود ترغیب می شدند که پیروی ازچون وچرای این اصول و قوانینی کنند که از آن سود خواهند برد؛ درحالیکه دروغ و بی عدالتی فقط به آنها آسیب می رساند.

یک اصل دیگر در اینجا به هنر «گفتار» بگونه زیبا و هرچه موثرتر اشاره میکند که شامل مقررات زیر است:

« شما فقط باید صحبت کنید که مطمئن باشید از اینکه درمورد موضوع صحبت از معلومات کافی برخوردار هستید یعنی که انسان با تسلط کامل پیرامون موضوع هستید با این وجود گرچه صحبت کردن نظر به هر چیزی دیگر کار سخت و دشوار است و تنها شخصی این اعتبار را در خود می بیند که دارای مهارتی است ویا این وجود نویسنده طرز روش عادلانه فوق را یاد میگیرد و شما میتوانید که از میزان دانش خود به یک شخص خردمند بگویید البته به یک انسان شریف که بواسطه اعمال شریفانه خود به این منزلت رسیده است که باید با او مشوره صورت گیرد.»

البته همراه با قوانین اخلاقی یعنی درکنار آموزش قوانین اخلاقی، مطالعات حرفه ای نیز وجود داشته است. اما به گفته مورخ مشهور در اوایل دوران هیرو دوت، جوانان از انتخاب و تعیین شغل آینده طبق دلخواه خود محروم بودند و مکرراً با یک قدم پدران خود را دنبال میکردند بنا براین، یک سیستم اثری سختگیر وجود داشت که بعضی اوقات با رضایت پادشاه یا نیروهای قدرتمندی تکمیل می شد. یعنی که معضله حل و فصل می شد.

دختران و پسران کم سن و سال خود مشغول انجام کارهای ساده (مانند جمع آوری ذرت مرغداری یا گاو و) بودند و ماهیگیران هنگام بیرون آمدن به دریا فرزندان خود را با خود می گرفتند و یا که بخاطر ماهیگیری با خود به دریا می بردند تا به کارهای خود عادت کنند و تجربه ای ارزشمند را از پدران خود بیا موزند و یا بدست آوردند.

با یک کلام ، آموزش در مصر می توانست کاربردی تلقی شود و ارزش بیشتری برای تجربه و عمل در نظر گرفته شود تا تئوری. علاوه بر این ، فقط نمایندگان خوب متشکل از جنسیت مردانه می توانستند به علوم دسترسی پیدا کنند در حالی که حوزه زنان از جمعیت مصر تنها محدود به کار دستی و کار معمولی نبوده است. چنین وضعیتی با وجود سیستم ارثی قابل استفاده برای کلیه شهروندان ، از کارگر صرف (کارگران (قا یقران ، با فنده ، هر چیز دیگری)) و تا پادشاه ، تشدید شد.

علیرغم وجود فاصله زیاد زمانی ، تحصیلات در اروپا از قرون اوسطا با مصر مصر باستان ارتباط بسیار نزدیکی داشت . دوره قرون وسطی (یا قرون وسطایی) زمان را در بین سده های « 5 تا 15 » شامل می کند. این زمان همچنین با این واقعیت مشخص می شود که آموزش و پرورش به شدت توسط دین شکل می گیرد ، به ویژه توسط مسیحیت یا دقیق تر توسط کلیسای کاتولیک روم ؛ بیشتر برنامه های درسی با هدف یادگیری لاتین (زبان رسمی مراسم کلیسا) انجام می شود. فرصت های یادگیری به ویژه برای زنان هنوز محدود بود. نکته خوب این بود که در واقع برخی از مجالس آموزش و پرورش را برای آنها فراهم می کردند و با گذر زمان بویژه در دوره رنسانس (دوره ای که متعلق به قرون وسطا بود) دختران جامعه طبقه بالا می توانستند در مدارس شرکت کنند یا دروس خصوصی داشته باشند اما دامنه موضوعات آموخته شده هنوز در موارد (هنر ، موسیقی ، سوزن دوزی ، رقص و شعر) ناچیز بود و آموزش برای دختران طبقه کارگر (همان در مصر باستان) به آموزش وظایف خانگی ، به عنوان مثال ، آشپزی و خیاطی محدود می شد.

اکثریت قریب به اتفاق مردم بی سواد بودند زیرا مدارس معمولاً فقط توسط کسانی که قصد کاهن شدن داشتند در آن مدارس شرکت می کردند. و یا به تحصیل می پرداختند.

با این وجود ، در قرن دهم و اوایل قرن یازدهم ، یادگیری زبان عربی تأثیر چشمگیری در آموزش سیستم آموزش غربی داشت و سیستم عددی عربی در اروپا معرفی شد که تأثیر زیادی بر ظهور حساب های غربی گذاشت .

در اواخر قرن (10) و آغاز قرن یا زدهم دانشمندان قرون وسطایی جنبش جدید فلسفی و آموزشی پیشگامانه‌ای بنام اسکولاستیک (scholasticism) را تشریح کردند. این آموزه کوشید تا یادگیری کلامی مسیحیت را با فلسفه یونان باستان تثبیت و ادغام کند و بر اساس کتاب مقدس نیز بنا شده است. یکی از طرفداران این روند، سنت توماس آکویناس (Saint Thomas Aquinas) بود. ک متکلمان یا سخنور برجسته دومیکن قرن سیزدهم بود که مطالب چندی را بگونه وامهایی از آثار ارسطو گرفت و در پرتو آن کرکتریک معلم کالمی را توصیف کرد که از صفاتی چون ایمان، عشق و هدیه برای تد ریس استفاده می کند.

مجموعه مقالات آکویناس و سایر دانشمندان در مؤسسات آموزش عالی قرون وسطایی یعنی در دانشگاههای اروپایی مثل در پاریس، سالرنو، بولونیا، آکسفورد، کمبریج و پادوا از آنها استفاده می شده است. نام دانشگاه خود با توجه به انجمن های دانشجویان و معلمان که برای بحث در مورد مسائل دانشگاهی سازمان یافته اند، از واژه لاتین (universitas) یا انجمن ها گرفته شده است. دانشجویان دانشگاههای قرون وسطی با مدرک تحصیلی در هنرهای لیبرال یا در مطالعات حرفه ای مثل (در رشته های، حقوق، پزشکی، کلام و غیره). فارغ التحصیل می شدند.

با دید توجه ویژه ای به ایتالیا شود که مهد احیای فرهنگ و آموزش اروپایی شناخته شده به عنوان "رنسانس" در پایان قرن چهاردهم و شکوفایی در قرن (15) است. در واقع، این دانشمندان ایتالیا (پتارچ و برخی دیگر) بودند که دوره جدیدی را در تاریخ ایجاد کردند و تاریخ غربی را به "دوران باستان - قرون وسطا" مدرن تقسیم کردند و عصر آنها را "تولد دوباره باستان کلاسیک" دانستند (7: 158). این مردم همیشه عادت به خطا داشته است، بنابراین آنها از این قاعده مستثنی نبودند که تحت تعقیب باشد که جامعه قرون وسطی از باستان کلاسیک نادان بود.

برای انسان شناسان (هما نظور که خودشان می نامیدند)، "نور" به معنای باستان و "تاریکی" به معنای ناآگاهی از کلاسیک ها بود (7: 160). بنا براین، دوره قرون وسطایی از دیدگاه آنها می تواند "کاملاً تاریک" تلقی شود. آنها مجدداً تعبیرهای مربوط به مسیحیت را تفسیر کردند و بین اصول آن و وقایع مهم و دوران باستان نیز موازی شدند. به همان روشی که برای مسیحیان مهمترین تاریخ تا ریخی، روز مصلوب شدن مسیح بود، اومانیت ها سقوط روم را حدود (500) سال A.D نشان دادند.

اوما نیست ها (Humanists) همچنین یک سیستم آموزشی جدید را با تأکید اصلی بر "studia humanitatis" مطرح کرده اند یا به بیان متفاوت ، آن دسته از علوم را ارتقا می بخشند یا ارتقا دادند که به ذهنشان یک انسان می بخشد. با مطالعه علوم انسانی شما به یک انسان برتر و نزدیک تر تبدیل می شوید - این اعتقاد مشترک آنها بود. اصطلاح "studia humanitatis" به سیاستمدار و نویسنده رومی **سیسرو** (Cicero) منتسب است. اومانیت ها بر لزوم مطالعه موضوعاتی از جمله گرامر ، بلاغت ، شعر ، تاریخ ، فلسفه اخلاقی تأکید کردند ، اما کاملاً از علم برنامه درسی ، متافیزیک ، دیالکتیک یا منطق حذف شده اند (7: 168).

بنا بر این ، این پیروان **سیسرو** با جنبش دانشمندان از هم گسیختند. با این وجود باید توجه داشت که حتی در دوران قرون وسطایی دانشگاه های ایتالیا تنها چهار دانشکده - اعم از هنر ، کلام ، حقوق (توپ و سکولار) و پزشکی داشتند. آموزش ابتدایی توسط هفت هنر لیبرال ، یعنی تریویوم (برنامه درسی مقدّماتی در دانشگاه قرون وسطایی شامل مطالعه دستور زبان ، بلاغت و منطق) ، یا سه هنر کلامی ، گرامر ، بلاغت و منطق و چهارگوش یا چهار هنر ریاضی ، حسابی ، نجوم ، هندسه و موسیقی شکل گرفته است (7: 251).

به طور خلاصه ، سیستم آموزشی قرون وسطا و اوج دوران رنسانس (دوره « 500 تا» 1500 سال A. D.) در اروپا و به ویژه در ایتالیا با سیستم مصر باستان بسیار مشترک است و با دوران باستان پیوندهای محکمی دارد. این دوره ها دانشگاه های مشهور اروپایی را به دنیا آورده اند و برخی از برنامه های آموزشی را برای زنان فراهم کرده اند. با این حال ، در مورد دوم ، فقط دختران طبقه بالا می توانند موضوعاتی را که با نقش آنها در جامعه (هنر ، موسیقی ، سوزن دوزی ، رقص و شعر) مطابقت دارد مطالعه کنند ، در حالی که جایگاه دختران از افشار پایین به هیچ وجه تغییر نکرده است. کره همچنان محدود به اجرای خانه و آشپزی است.

در مورد سابق ، طیف علوم گنجانده شده در برنامه درسی دور از تکامل بوده و هیچ علوم دقیقی را شامل نمی شود. محققان آن دوره تمایل به تلاش حد اکثری برای پیشبرد گذشته (خواه **سیسرو** یا **ارسطو**) نشان دادند. علاوه بر این ، یکی دیگر از ویژگی های مشترک آموزش مصر این است که هر دو در معرض تأثیر چشمگیر دین بودند (برخلاف خدان یا نبی شما ری در مصر حالانکه در اروپا تنها یک - مسیحیت وجود داشت که به طور قابل توجهی قدرت آن را تقویت می کند).

در نهایت اما نه کمترین چیز چه در تاریخ بشریت یا به ارتباط تمدن آموزش و پرورش یکی هم از هند باستان تذکر بعمل نیاوریم. و ما همزمان این نظر را داریم که این دوران طلایی نظام آموزش و پرورش را در طول تاریخ از تکامل آن مرهون مردی ندانیم که بخش از این اصول تا همین اکنون نقش خود را بازی میکند.

بگونه مثال این روش مشهور و یا این تیوری خارق العاده که در متن ویا در قلب به اصطلاح **بل لانکستر پیدا کوجیک** (Bell Lancaster Pedagogics) قرار دارد ویا نهفته است؛ چنین ثابت شده است که این روش قبل از گسترش و محبوبیت آن در انگلستان ویا در سراسر جهان، قرن ها قبل در هند وستان اختراع و بکار گرفته شده است؛ چنانچه که خود بل (Bell) در تدریس متقابل خود این واقعیت را به رسمیت می شناسد و توضیح میدهد که او چگونه در مدراس (Madras) هند با مسولین مکاتبی که توسط استادان با دانش مدیریت میشد به تماس می آید ویا در مورد ارتباط تا مین مینماید.

اگرچه آموزش در تمدن اولیه هند نیز تحت تأثیر دین (هندوئیسم) بود، اما ویژگی بارز آن این بود که آموزش به دین خدمت نمی کرد بلکه بالعکس آن. وی گفت: "از عصر ودایی (Vedic = شکل اولیه از زبان سانسکریت) به پایین، مفهوم اصلی آموزش و پرورش هندی ها این بوده است که این منبع روشنایی است و ما را در زمینه های مختلف زندگی به درستی هدایت می کند. یک متفکر می گوید، دانش، چشم سوم انسان است که به او بینش می دهد و به همه امور می پردازد و به او می آموزد که چگونه عمل کند.

بدیهی است که رویکرد آموزش کاملاً متفاوت است و نتایج آن بهتر از همیشه است. سرنخ چنین موفقیتی را می توان در سخنان (Rabindranath **تاگور**)، شاعر هندی، یافت که نوشت: "سیستم آموزشی غربی غیر شخصی است یعنی (بی فاعل) است.... و در محفظه های (محل اقامت گزینی) سردخانه درس ها و ذهن های پر از یخ، معلمان ساکن است.... این یک روش مصنوعی از آموزش ویژه ای است که برای تولید ناقل بار (حمل) مرد سفید پوست محاسبه شده است»

علاوه بر این، هند در تماس شخصی به دانش آموزان، همچنین می تواند به سیستماتیک ترین دانش در نظر گرفته شده برای کامل ترین انتقال آن به نسل های بعدی افتخار کند. با کمال تعجب، آن آموزش عالی (در دانشگاه ها) در سطح مدرن در حدود (B.C 800) قبل از میلاد در هند ارائه شده است. یا حتی زودتر در نتیجه، جای تعجب نیست از

اینکه محصلان ی که از کشورهای دیگر غرض تحصیل به هند آمده اند آن کشورها در زمره کشورهای دیگر بسیار محبوب و مشهور اند.

هند باستان مفهوم جدیدی از آموزش را ارائه کرد و آن را تا حد ممکن به ساختار خانواده نزدیک کرد. حتی روابط بین دانش آموز و معلم نیز می تواند به عنوان روابط نزدیکی تلقی شود. دانش آموز مجبور شد معلم را برای خودش پیدا کند و سپس به عنوان پسرش در خانه او زندگی کند. بنا براین ، دانش منتقل شده توسط معلم ، میراث واقعی به فرزندان او بود.

روش دیگر تد ریس توسط خانواده های *Rashids* (ریشید یک کلمه سانسکریت است که به یک فرد بیننده یا حکیم اطلاق می شود که حقایق ابدی و سطوح عمیق دانش معنوی را در طی دوره های مراقبه شدید کشف کرده است. این اصطلاح ممکن است به انگلیسی نیز به معنای "رفتن" ، "حرکت" یا "جریان" ترجمه شود) ارتقا یافت ، که مانند مدارس ودیک (*vedic*) عمل می کردند و دانش آموزان پذیرفته شده بودند. در این صورت روابط معلم و شاگردانش در ریگ ودا بیان شده است (کتاب قوانین) و روشها به حرف و توانایی زبان آموزان بستگی دارد (سیستم میراث تمدن مصر باستان را بخاطر بسپارید که تقریباً به موقع با هند مصادف بود. اما آنها جهان نزدیک به رویکردهای خود هستند که انگار قرن ها بین آنها وجود داشته است).

احتمالاً مهمترین ویژگی و بزرگترین مزیت سیستم آموزش هند ، باز بودن آن برای افرادی است که فارغ از نژاد ، مذهب و جنسیت خود در گذشته ما میل به کسب دانش هستند. در حالی که ، تمدنی که دربالامورد مطالعه قرار گرفته است ، حقوق زنان برای نادیده گرفتن و نقص حقوق زنان در هند مورد مطالعه قرار نگرفت ، وضعیت کاملاً متفاوت بود ما اطمینان حاصل کرده ایم که هرچه بیشتر در تاریخ پیش برویم ، موقعیت زنان بدتر خواهد شد.

این حال ، هند باستان استثناء منحصر به فرد از روند مشترک است. شواهد فراوان نشان می دهد که زنان به همان اندازه که مردان دسترسی به گزینه های آموزش و پرورش داشتند زنان نیز دسترسی برابر داشتند. به گونه ای که آنها می توانند در زندگی جامعه شرکت کنند اما صرفاً خدمتگزاران ماندگار مردان نباشند. علاوه بر این ، بسیاری از زنان حتی به ارتش پیوستند و در مدارس نظامی تحصیل کردند.

یکی دیگر از تجربیات مثبت و بیشمار مثبت نظام آموزشی هند ، برگزاری جلسات جمعی و سخنرانی توسط مدرسان برجسته بود که در آن جلسات تمام دانش آموزان تمام مناطق هندوستان شرکت می کردند. همه چوکی های این یادگیری در میان طبیعت زیبا و

آشکارا انتخاب میشد یعنیکه برای این چوکی ها جلسات آموزش و پرورش انتخابات آزاد صورت میگرفت که هیچ چیز نمی تواند توجه دانش آموزان را آزار دهد ، بلکه برعکس به آنها آموخت که به دنیای اطراف خود و خودشان گوش دهند.

اولین دانشگاه های هند با هزینه ایالتی و هدایای مردم حفظ ویا فراهم می شدند. اگرچه آنها یعنی این دانشگاه ها برای پسران مختص شده بود اما به دختران نیز گفته می شود یا که چانس بود که در آنجا تحصیل کنند و خوابگاه های زن نیز وجود داشته است. سال تحصیلی شامل چندین سمستر بود و هر ترم یا سمستر با برگزاری مراسم ویژه آغاز و به پایان میرسید. به دلیل شرایط نامساعد جوی ، دانشجویان در تعطیلات می بودند یعنی که برخی اوقات ایام تعطیلاتی را سپری میکردند که دانشجویان می توانستند بین هنر ، علم و صنایع دستی یکی را انتخاب کنند. آنها می توانند آموزش فنی یا لیبرال کسب کنند. مدارس پزشکی در هند از همه بهترین محسوب می شدند یا میشد. توجه زیادی به پیشرفت فعالیت های اجتماعی و فرهنگی صورت میگرفت و دانشجویان تشویق می شدند تا از رقص و درام ، آواز و نواختن سازهای مختلف استفاده کنند.

برای تکمیل لیست طولانی از مزایا ، باید به این واقعیت نیز اشاره کرد که تقریباً همه دانشگاه های مشهور دانشجویان در هند باستان مانند **نالاندا** ، **ویکراماسیلا** ، **پاتالیپوترا** و **تمرالپیتی** با داشتن کتابخانه ها و یا قراءت خانه های خاص خود در نظر گرفته شده بودند که بسیاری از آنها در معابد واقع شده اند.

با این حال ، در طول حمله انگلیس ، بیشتر کتابخانه ها سوخته و تمدن بشری با کل منابع ارزشمند از دست رفت. ساچان (Sachan) که آثار آل برونی را گردآوری و ویرایش می کند ، گفت: «مبلغان مسیحی در سواحل غربی دست نوشته های بسیار با ارزش به دست گرفتند و همه ای آنها را آتش زدند. بسیاری از دانشمندان بزرگ را بدون اینکه دانش خود را به فرزندان بسپارند ، مردند یا نیست و نابود شدند قابل تذکر است که مردم هند در جستجوی معیشت خود در طی نهصد سال حکومت خارجی ، به حفظ دانش فرزندان خود اهمیت نمی دادند.

در مورد علوم کاربردی و آموزش حرفه ای ، قبلاً ذکر شده بود که مدارس پزشکی در هند باستان از اولویت های بالایی برخوردار بودند. هنوز ، حتی تا قرن چهارم قبل از میلاد (B.C) . طبابت کاملاً خوب توسعه یافته بود و یونانیان ، که **اسکندر** را همراهی می کردند ، از مهارت طبیبان هندی در درمان موارد گزش های مار بسیار تحت تأثیر بودند.

و چه رسد به جراحی که به دلیل شگفتی های کاری بسیار فراتر از مرزهای هند شناخته شده بودند. پزشکان هند باستان می توانستند عمل جراحی برای آب مروارید (cataract = سادشخی)، هیپروسل، آبسه ها، استخراج جنین های مرده و غیره انجام دهند.

برای کوتاه کردن داستان طولانی، ما می خواهیم این داستان را با سخنان لونی ریول به پایان برسانیم که گفت: "هند از گذشته باشکوه خود، فهمیده است که عظمت یک ملت، بکر بودن، ارزش اخلاقی آن کاملاً به سیستم آموزشی که به آن داده می شود بستگی دارد. هند باستان نمونه هایی از مدارس، دانشگاه ها، برهمنی و بودایی را به ما ارائه داد، که بیشترین برداشت های باشکوه را برای این ملت به ارمغان آورد - افسوس! که امروز آن مراکز فرهنگی مانند تاکیلا، اووچین و نالاندا بدست فراموشی سپرده شده است.

این دانشگاه ها که هزاران دانشجو از اکثر نقاط آسیا برای کسب تحصیل ویا برای نوشیدن از این چشمه آب ویا منبع معرفت ویا یادگیری به آنجا آمده اند - سیستم آموزشی خود را بر اساس تماس های فردی بین استاد و دانش آموز مستقر می کنند، اما خود این استادان دانش آموز تحصیلات خود را در همین دانشگاه های بزرگ به پایان رسانده اند آنچه که به دانش آموزان خود دادند همانا عسل تجربیات اخلاقی و فکری آنهاست که از طریق استادانی که هنوز هم در علوم دارای مقام معنوی و صاحبب تجربه هستند، همه ای آنها در دامن دانش واقعی قوانین زندگی میکنند.

در خاتمه، باید بیان کنیم که با مطالعه سیستم آموزش و پرورش، برخی از ویژگیهای متداول از جمله نفوذ قوی دین را رعایت کرده ایم (اشاره به کلیه موارد مطالعه). تبعیض حقوق زنان در آموزش و پرورش (مصر باستان و تا حدودی قرون وسطای ایتالیا)؛ دسترسی محدود به آموزش و پرورش با توجه به اقشار اجتماعی و بهزیستی (تمدن مصر و اروپا)؛ با این حال، هند باستان ثابت شد که این امر یک طرد منحصر به فرد است و روشهایی را به ما نشان داده است که امروزه می توان با موفقیت کار کرد و آموزش آن زمان ممکن است به عنوان نمونه ای عالی از استاندارد بالا برای سیستم آموزش نوین باشد. علاوه بر این، اسرار بسیاری در مورد هند باستان تا هنوز وجود دارد که باید بیاموزید زیرا بدون شک آموزش آنها برای بازسازی روزهای از اوج دوران گذشته مفید خواهند بود.

Bibliography

1. *The Language of Ancient Egypt. Retrieved on November 9, 2005 from:*

<http://www.eyelid.co.uk/hiromenu.htm>
2. *Education and Writing. Retrieved on November 9, 2005 from:*

<http://www.crystalinks.com/ancient.html>
3. *Education and Learning in Ancient Egypt. Retrieved on November 9, 2005 from:*

<http://www.touregypt.net/featurestories/lifeinegypt.htm>
4. *Education During the European Renaissance. Retrieved on November 9, 2005 from:*

<http://education.umn.edu/EdPA/iconics/reading%20room/6.htm>
5. *A Comparison of the Middle Ages and the Renaissance in Italy. Retrieved on November 9, 2005 from:*

<http://www.wpunj.edu/~history/study/edelciv12.htm>
6. *Middle Ages. Retrieved on November 9, 2005 from:*

http://encarta.msn.com/text_761578474___1/Middle_Ages.html
7. *Humanism and Education in Medieval and Renaissance Italy by Robert Black. ISBN-10: 0521401925*
8. *Education in Ancient India. Retrieved on November 9, 2005 from:*

http://www.atributetohinduism.com/Education_in_Ancient_India.htm
9. *Subhishitaratnasandhoha, 2001.*
10. *India: Bond Or Free? by Annie Besant, 2001.*
11. *Ancient Indian Education. Retrieved on November 9, 2005 from:*

http://www.ASIN/8120804236/qid=1023067508/ref=sr_11_0_1/103-3015381-0943069

12. *Vision of India by Sisir Kumar Mitra, 2003.*
13. *S. K. Nadvi – Arab aur Bharat ke sambandha, 1997.*

با تقدیم احترامات -----

تمدن چیست؟

دوام دارد

قسمت چهارم

